**خرناسه های یک گراز زخمی و طرح یک پرسش**

**دربارة آخرین دعاوی خسرو خوبان نظام روح الله حسینیان**

در مهم ترین تفاوت خوک با گراز نوشته اند که نژاد خوک اصلاح یافتة گراز است. در شرح شمایل و سکنات گراز هم آمده است که سری بزرگ و دراز، گردنی کوتاه، گوشی بزرگ و نوک دار، بدنی حجیم و سنگین و چشمانی نسبتا کوچکی دارد، پوزة او دراز و استوانه ای شکل و موهایش ربز، ضخیم و بلند است. از عجایب خلقت این حیوان شناگری ماهرانة اوست که می تواند به راحتی از رودخانه عبور کند. دربارة‌ سایر خصائل و مشخصه های او نوشته اند که حمله به انسانها و یا ویرانی مزارع توسط دندان های نیش بسیار قوی او صورت می پذیرد و هنگام خطر خرناس بلند می کشد. ولی بیشترین خطر این حیوان وحشی انتقال عفونتهای انگلی به انسانها است.

در داستان بیژن و منیژه، در شاهنامه فردوسی، هم وصف گویایی از گرازانی که به شهر مرزی ایران زمین حمله کرده بودند آمده است.

گراز آمد اکنون فزون از شمار

گرفت آن همه بیشه و مرغزار

به دندان چو پیلان، به تن همچو کوه

 این گرازها درختان را «به دندان به دو نیم» می کنند و «سنگ سخت» هم حریف دندان شان نمی شود.

ما البته گرازشناس نیستیم. و قصدمان در این وجیزه هم درس گرازشناسی نیست. اما تقصیر خود «حجت الاسلام و المسلمین روح الله حسینیان» است که سالهای متمادی است تا دهان باز می کند ما را یاد گلة گزارها در یک ارکستر آخوندی می اندازد. ایشان از تکخوان های این ارکستر گرازها هستند. خدا به ما رحم کرده است که ایشان تازه «خسرو خوبان» نظام آخوندی هم تشریف دارند.

اما برای رفع هرگونه سو‌ءتفاهم ناچار به توضیح هستیم پرداختن به ایشان، در هیر و ویر قیامی که سر تا پای رژیم را لرزانده است، از بیکاری نیست. علت خرناس های عجیب و غریب ایشان در مورد «رأفت اسلامی» نظام در مورد اعدامی هاست.

اما اجازه بدهید یک مرور مختصری در مورد سوابق ایشان بکنیم تا به امروز و خرناس های امروز ایشان برسیم.

جناب خسرو خوبان نظام از مدافعان مدفون ملعون سعید امامی بوده اند. نام او وقتی برسر زبانها افتاد که به دنبال رسوایی وزارت اطلاعات آخوند خوش خط و خال نظام خاتمی در جریان قتل های زنجیره ای از پشت پرده بیرون جهید و به دفاع از سعید امامی پرداختند و فرمودند: «آخه باباجون، آخه ما خودمان ولله یک زمان قاتل بودیم، یک زمانی زندانبان بودیم، یک زمانی همه این چیزها را گذراندیم. تا کنون صدها نفر واجبی خوردند و نمردند.» این اعتراف ناگزیر را شما می توانید به راحتی، همراه با با شمایل نامبارک ایشان، در یک جستجوی اینترنتی با سند و مدرک مربوطه پیدا کنید. جناب خسروخان خوبان نظام به جای این که بگویند که چه کسی مختاری و پوینده و.... را به آن صورت فجیع و دردناک کشته اند به شکوه و شکایت از شکنجه هایی پرداخت که سعید امامی به دست دوستاقبانان دیگر شده. سعید امامی ‌در بیمارستان به ایشان گفته بود: «آقا به داد من برسید. پدرم را در آوردند. کشتنم، شکنجه ام می‌کنند.».

بعد از این بود که شغل و کسب و کار ایشان از خفا به در آمد که بابا از نقش آفرینان اصلی و با تجربه کشتارها و شکنجه ها بوده اند. خسرو خوبان نظام که در وحشت آفرینی ید طولایی دارد با صراحت و وقاحتی کم نظیر به دفاع از نسل کشی سال۶۷ پرداخت و به آخوند هم تبارش رئیسی بابت کشتار آن ایام جایزه داد و گفت:‌ «در جریان انتخابات یکی از ایراداتی که به آقای رئیسی می‌گرفتند این بود که آقای رئیسی مثلاً جزء این گروهی بودند که منافقین را اعدام کردند. خُب به آقای رئیسی باید جایزه داد». بعد هم چنگ و ناخن و نیش نشان داد: «من الان اعلام می‌کنم که اگر دوباره نیازمند باشیم که همون قاطعیت را به خرج بدهیم، قاطع تر، یعنی با توجه به اینکه تجربه‌ای را پشت سرگذارنده‌ایم و مسائلی را با چشم خود دیده‌ایم، قاطع تر ازپیش اقدام خواهم کرد». به یاد بیاوریم که چند سال پیش هابيليان که از سازمانهای دست ساز وزارت اطلاعات است در سایت خود نوشته بود: «با وجود حکم قاطع نظام اسلامي در مورد منافقين اعدام شده در سال ۶۷، بايد به اين نکته نيز اشاره کرد که در اجراي اين حکم علاوه بر دستورات صريح اسلام براي مرتدين از دين خدا، تا حدودي نيز رأفت اسلامي شامل بسياري از منافقين شده بود و شايد تنها ايرادي که مي‌توان تا حدودي به اجراي اين حکم وارد دانست، رأفتي بود که باعث شد عده‌اي از منافقين به چوبه دار سپرده نشوند». البته با مرور این قبیل خرناسه های وحشیانه مشکل نخواهد بود که یاد بیاوریم یکی از ویژگی های اصلی گراز داشتن نیشی عفونی است که هنگام حمله به انسانها و یا ویرانی مزارع به کار گرفته می شود. اما خسرو خان خوبان نظام به قدری در به کار گرفتن این نیش و چنگال هار و درنده است که حتی به یاران و دوستان و سایر گرازهای نظام هم رحم نمی کند. همپالگی هایش در وصف او بسیار نوشته اند و عباراتی به کار برده اند که ما به نقل یکی دو مورد آن بسنده می کنیم. یکی از آنها او را «مزدور بی حیثیتی» معرفی کرد «که کارش از جعل روایت به فاحشه گری وخودفروشی رسیده». دیگری او را به خاطر نقل قولی از خمینی «آخوندی خبیث» خواند. تنها کاری که از ما برمی آید این است که اعتراف کنیم کم گفته اند که زیاد نه.

با این اوصاف به کیهان خامنه ای، ارگان چاقوکشان و لاتهای ولایی رژیم، مراجعه کنیم که در شماره ۳دی ماه ۱۳۹۸ خود متن آخرین خرناسه های گزار نظام را درج کرده است. تیتر گزارش کیهان عبارتست از:‌ «حجت‌الاسلام روح‌الله حسینیان: بسیاری از کسانی که منافقین ادعای اعدام شدن آنها را دارند در تهران و شهرستان‌ها به زندگی مشغولند». ظاهرا ایشان به عنوان رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی «به‌منظور رفع شبهه از ماجرای اعدام‌های دهه 60» به صحنه آمده است و مدعی است که: «هیچ موردی وجود ندارد که شخص بدون محاکمه اعدام شود». همچنین دربارة منافقین هم تا کسی دستش به خون آلوده نشده بود اعدام نمی‌شد. حتی حضرت امام بیانیه‌ای صادر کردند و فرمودند هیچ‌کس حق ندارد کسی را که دستش به خون آلوده نشده اعدام کند». باید اقرار کرد که این خرناسه تنها یک دروغ، آن هم از نوع شاخدارش، نیست. بلکه یک ابتذال مفرط است و یادآور آن خصلت گراز که در حمله به انسانها نیشی عفونی دارد. به هرحال حسینیان به عنوان «قائم مقام وقت دادستان انقلاب اسلامی در وزارت اطلاعات» با دجالیت تمام هنر آی دزد آی دزد را به خوبی آموخته است و در یک فقره نعل وارنه زدن علت واقعی خرناسه های خود را لو می دهد و می گوید: «کار منافقین دروغ گفتن و راه‌اندازی عملیات روانی است. مثلا منافقین لیستی به عنوان اعدام‌های سال 67 به سازمان ملل فرستادند و با استفاده از آن علیه جمهوری اسلامی تبلیغ کردند اما جالب است بدانید بسیاری از افرادی که نام آنها در آن لیست به عنوان اعدامی ثبت شده، اکنون زنده هستند و در همین تهران مشغول زندگی می‌باشند» از این صریح تر نمی شود علت سوزش درونی این گراز وحشی را به عیان دید. واقعیت این است که افشاگری های مجاهدین در سطح بین المللی چنان آخوندها را رسوا کرده که گراز خود را به میدان فرستاده اند. و او که در وحشت آفرینی و توحش و بربریت هیچ کم ندارد تازه مدعی می شود که تعداد اعدامها کم بوده که زیاد نبوده اند. او گفته است: «اگر این آمار را ببینیم متوجه می‌شویم تعداد اعدامی‌های منافقین در دهه 60 حتی بسیار کمتر از آن است. و اگر بنا بود جمهوری اسلامی در برابر هر ترور منافقین یک نفر از آنها را اعدام کند، الان تعداد اعدامی‌های منافقین می‌بایست بیش از 17 هزار نفر بود» البته روشن است که این خرناسه های دیوانه وار باعث رسوایی بیشتر آخوندها است و خود حسینینان این را بهتر می داند. به همین دلیل با پررویی ویژه آخوندی می گوید: «برای همة اعضای سازمان هم حکم اعدام صادر نشد. کما این که چند مرتبه منافقین مورد عفو قرار گرفتند. یعنی افرادی بودند که عضویت آنها در سازمان مسجل بود یا عضو خانه‌های تیمی بودند اما دستشان به خون کسی آلوده نشده بود.... این افراد اعدام نشدند و چند سال بعد مورد عفو قرار گرفتند». و مضحک تر آن که از «عطوفت و مهربانی» جانوری درنده تر از خود یاد می کند و می گوید: «خود شهید لاجوردی تعداد زیادی از این‌ها را که هوادار یا سمپات بودند مورد لطف قرار داد و با اقدامات فرهنگی شهید لاجوردی بسیاری از آنها برگشتند و مورد عفو قرار گرفتند تا جایی که آنان به بچه‌های آقای لاجوردی معروف شدند».

چند سال پیش در جریان یک آکسیون خیابانی علیه جنایات خمینی در رم تظاهرکنندگان شعاری نوشته بودند به این مضمون: جنایات حکومت فاشیستی رژیم آخوندی را محکوم می کنیم. یک ایتالیایی اعتراض کرده و گفته بود من خودم فاشیستم. ولی ما کی از این کارها که خمینی کرده است کرده ایم؟. در پاسخ آن ایتالیایی فاشیست چیزی نداشتیم که بگوئیم. شرمنده فاشیستها شدیم! حالا اگر بعد از خرناسه های اخیر حسینیان گرازها به زبان بیایند و از ما بپرسند ما کجا تا این حد بی شرم بوده ایم؟ چه پاسخی داریم که به آنها بدهیم؟ مخصوصا وقتی که آخرین بخش خرناسه او را در همین گفتار جلو رویمان بگذارند که : «حجت‌الاسلام حسینیان در پایان با مقایسه منافقین و داعش یادآور شد: ولی شما نگاه کنید دشمن از خود چه فرشته‌ای می‌سازد و از جمهوری اسلامی چه سیمایی ارائه می‌دهد. ... منافقین به مراتب از داعش خون‌آشام‌تر هستند» و پرسش آخر. آیا شما همین خرناسه ها را از نژاد اصلاح شدة گرازها، یعنی خوکهایی که به خارج کشور اعزام شده و کراوات هم می زنند، نشنیده اید؟ پیشنهاد می کنیم اگر فرصت کردید به تلویزیون میهن تی.وی، به خوکبانی سعید بهبهانی، بزنید.